

نامه نسرين ستوده به زندانيان بند ۳۵۰ : شجاعتان را تحسین می‌کنیم

جرس: نسرين ستوده، فعال حقوق بشر و وکیل دادگستری، در نامه‌ای به زندانيان بند ۳۵۰ اوین، ضمن اظهار تاسف از حادثه‌ی پنج‌شنبه خواهان رسیدگی دقیق و روشن شدن ابعاد فاجعه و شناسایی عاملان و آمران آن شد.

به گزارش جرس، وی در نامه‌ی خود با تاکید بر این که «مجازات چنین عمل وحشیانه‌ای توسط ماموران دولتی حبس است» آورده است: هر چند در میان زندانيان بند ۳۵۰ یکی از شایسته‌ترین و شجاع‌ترین وکلای ایران، حضور دارد که قطعاً راهنمایی‌های لازم را خواهد کرد، معهدا بسیاری از اعضا ی جامعه وکالت با افتخارآماده پذیرش وکالت زندانيانی هستند که مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند و در راه انجام وظیفه از تهدید به بازداشت و لغو پروانه بیمی به دل راه نمی‌دهند.

متن کامل نامه نسرين ستوده که در اختیار جرس قرار گرفته، به شرح زیر است:

پسران، برادران و بزرگ مردان بند ۳۵۰

فاجعه‌ای که پنجشنبه سیاه بر شما رفت، اکنون به فاجعه‌ای ملی برای ایرانیان تبدیل شده است. فاجعه‌ای که بر شما روزنامه نگاران رفت، چراکه ایران به یکی از بزرگ‌ترین زندان‌های شما تبدیل شده است. فاجعه‌ای که بر شما فعالان کارگری رفته است. شما که سال هاست با دیدگاه‌های چپ زندگی کرده‌اید و هویت خود را در آن قالب سامان داده‌اید. فاجعه‌ای که بر شما اقلیت‌های قومی و مذهبی رفته است. فاجعه‌ای که بر شما فعالان مدنی و دانشجویی رفته است. فاجعه‌ای که بر شما فعالان سیاسی و اجتماعی و فعالان حقوق بشر رفته است. و فاجعه برای آن دسته از هموطنانمان که به نام جاسوسی به گروگان گرفته شده‌اند و از شرم یارای سخن گفتن ندارند.

بدانید که همراه شما رنج بردیم و اشک ریختیم و هزاران بار صحنه خشونت‌ی که بر شما روا داشتند را مرور کردیم و باز هم مرور کردیم و شجاعتان را تحسین کردیم که تسلیم عریده‌هایی نشدید که شما را به سکوت فرا می‌خواند و هنوز از بند بیرون نرفته بودید که ما را در دردی که می‌کشیدید شریک کردید و ظلمشان را فریاد زدید. پا به پای شما و همراه شما به بهداری رفتیم و برگشتیم، از پله‌های بند بالا و پایین رفتیم، به بند انفرادی رفتیم، سرهایمان را تراشیدیم و تعجب زده از دروغ‌ها نگاه‌شان کردیم. در حالی که یک ملت ۵ سال است با حالتی بهت آلود در انتظار آزادی زندانيان وجدان است، با خشونت‌ی چنین گسترده پیام می‌فرستند که منتظر نباشید.

پیام ما به خشونت گران موکدا آن است که: زندانيان سیاسی را فوراً و بدون قید و شرط آزاد کنید زیرا: محاکمه آن‌ها ناعادلانه بوده است. حکم آن‌ها بر اساس درخواست بازجویان بی‌خردی بوده است که از استقلال قوه قضاییه و عدالت و برابری و آزادی بیان و حقوق بشر چیزی نمی‌دانستند. و بدتر از همه به دست قضاتی صادر شده است که مرعوب باز جو بوده‌اند. راستی چرا حبس‌های دو رقمیشان را سه رقمی نمی‌کنند؟ باتون‌هایتان را محکم‌تر در هوا بچرخانید، دروغ‌هایتان را بزرگ‌تر کنید و هر آنچه به ذهن خشونت طلبتان می‌رسد، دریغ نکنید. همه این‌ها قبلاً آزمایش شده است، نتیجه نمی‌دهد. کمی تاریخ بخوانید. به قول پسر عزیزم عماد بهاور: «۵ سال است ایستاده‌ایم.» سال هاست ایستاده‌ایم. درهای زندان را به روی ما بگشایید، ما پشت در زندان‌ها در همین نزدیکی‌ها به انتظار ایستاده‌ایم..... دوستان و هم بندیان سابق مجازات چنین عمل وحشیانه‌ای توسط ماموران دولتی حبس است. هر چند در میان زندانيان بند ۳۵۰ یکی از شایسته‌ترین و شجاع‌ترین وکلای ایران، حضور دارد که قطعاً راهنمایی‌های لازم را خواهد کرد، معهدا بسیاری از اعضا ی جامعه وکالت با افتخارآماده پذیرش وکالت زندانيانی هستند که مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌اند و در راه انجام وظیفه از تهدید به بازداشت و لغو پروانه بیمی به دل راه نمی‌دهند. شاید از این طریق به افکار عمومی که خواهان رسیدگی دقیق و روشن شدن ابعاد فاجعه و شناسایی عاملان و آمران آن است نیز پاسخی دقیق و روشن داده شود.

هم بندی سابق شما در بند زنان نسرين ستوده

روایت تکان‌دهنده خانواده‌های زندانیان ۳۵۰ از ملاقات با آنها : گزارش بی بی سی

برخی خانواده‌های زندانیان بند ۲۵۰ اوین امروز با این زندانیان ملاقات کرده‌اند. از هر خانواده یک نفر و برای زمان محدودی حدود ۵ دقیقه فرصت ملاقات داشته است. زندانیان در این ملاقات اخبار مربوط به **حمله روز پنج‌شنبه** را تایید کرده‌اند. برخی از آنان اعلام کرده‌اند که در اعتصاب غذا به سر می‌برند. اعضای خانواده آنها مشاهده کرده‌اند که برخی از این زندانیان دچار کبودی و تورم بوده‌اند. این در حالی است که غلامحسین اسماعیلی، رئیس سازمان زندان‌ها در ایران، امروز ضمن تکذیب مجدد درگیری گفت: «ایراد ضربی حتی در حد تلنگر رخ نداده است.» آقای اسماعیلی گفت: «خانواده زندانیان پس از دیدار با زندانی خود متوجه خلاف واقع بودن این اخبار شبکه‌های مخالف نظام شدند»

‘اسیر جنگی’

رئیس سازمان زندان‌ها درباره حضور دیروز خود در کمیسیون امنیت ملی مجلس گفت: برای کار نکرده توضیحاتی ارائه دادیم. از وضعیت برخی از زندانیان، که گفته می‌شود حالشان وخیم بوده اطلاعی در دست نیست و آنها تماس تلفنی یا ملاقاتی نداشته‌اند اما شماری از خانواده‌های زندانیان سیاسی که امروز با آنها ملاقات داشتند در گفتگو با بی‌بی‌سی فارسی جزئیاتی از ملاقات خود را شرح دادند. خواهر محمد شجاعی درباره وضعیت برادرش به بی‌بی‌سی فارسی گفت: «تمام سر و صورتش باد کرده بود.» به گفته او دست و پایش را با زنجیر بسته، به او چشم‌بند زده و در همان حال او را با باتوم کتک زده بودند. به گفته خانواده برخی زندانیان مادر اکبر امینی، زندانی سیاسی که در ۲۵ بهمن ۸۹ با پرچمی سبز بالای جرثقیل رفت، پس از ملاقات فرزندش غش کرده و با آمبولانس به اورژانس منتقل شده بود. مادر یاشار دارالشفا نیز گفت که پس از «درگیری شدید» در بند ۲۵۰، بیش از ۳۰ نفر از زندانیان را به بند انفرادی ۲۴۰ منتقل کرده‌اند. او درباره فرزندش گفت: «این قدر او را زده بودند که نمی‌توانست روی پایش بایستد. اعتصاب غذا هم هستند و قدرت نداشت که حرف بزند.» فاطمه بابادی، همسر سهیل بابادی به بی‌بی‌سی فارسی گفت: «همه چیزهایی را که در سایت‌ها خوانده بودیم تایید کردند. با دست بسته کتکشان زده بودند. بدن‌هایشان کبود بود و یک سری شکستگی داشتند.» خانم بابادی گفت: «با اسیر جنگی هم این طور رفتار نمی‌کنند.» مادر داور حسینی نیز به بی‌بی‌سی فارسی گفت پسرش اعتصاب غذا کرده و پشتش کبود بوده است. او گفت مسئولان امنیتی از خانواده‌ها خواسته‌اند که مصاحبه نکنند. پس از درگیری روز پنج‌شنبه ماموران زندان موه‌های برخی زندانیان را تراشیدند. به گفته خانواده‌ها شماری از دیگر زندانیان نیز برای اعتراض به این مساله موی خود را تراشیده‌اند. خبرگزاری فارس از قول منصور حقیقت‌پور، نائب رئیس کمیسیون امنیت ملی مجلس، می‌گوید: «در جریان بازرسی از بند ۲۵۰ زندان اوین تعدادی تلبت و گوشی تلفن همراه کشف شده که زندانیان از این طریق اخباری غیرواقعی و نادرست را از فضای زندان به رسانه‌های بیگانه و ضدانقلاب مخابره می‌کردند.» روزنامه شرق، چاپ تهران، امروز از قول محمدرضا تابش، نماینده مجلس نوشته است که مدیرکل زندان اوین با بازبینی فیلم دوربین‌های مداربسته موافقت کرده است. آقای تابش از احتمال طرح سوال از وزرای دادگستری و اطلاعات خبر داده است. دیروز مصطفی پورمحمدی، وزیر دادگستری ایران، گفت که در حادثه روز پنج‌شنبه «یکی دو نفر از زندانیان دچار جراحت مختصری شدند».

• **+مصاحبه با همسر سهیل بابادیشنبه ۱۴۰۷:۰۱**

• **+مصاحبه با مادر یاشار دارالشفا شنبه ۱۴۰۷:۰۰**

• **+مصاحبه با خواهر محمد شجاعی شنبه ۱۴۰۷:۰۰**

اوین نبود، ابو غریب بود

ایران وایر : امروز، دوشنبه اول اردیبهشت ماه، زندانیان بند ۳۵۰ توانستند با بستگان خود ملاقات کنند. در حالی با این ملاقات موافقت شد که پیش از این مسوولان و نمایندگان مجلس و همچنین وزیر دادگستری اعلام کرده بودند که روز پنج‌شنبه، ۲۸ فروردین ماه «هیچ‌گونه درگیری در این بند رخ نداده است» اما خانواده‌ی زندانیان در گفت‌وگو با ایران وایر به شرح ملاقات و وضعیت زندانیان که «نمی‌توانستند راه بروند و دیگر زندانیان به آنها کمک می‌کردند» اشاره کردند.

در همین روز غلامحسین اسماعیلی، رئیس سازمان زندان‌ها در گفت‌وگو با خبرگزاری کار ایران (ایلنا) گفت: «بارها اعلام کردم که براساس یک برنامه کاملاً ضابطه‌مند و قانون‌مند و با رعایت همه‌ی ضوابط یک بازرسی انجام شده و هیچ‌گونه درگیری و ایراد ضربی از ناحیه همکاران ما حتی در حد تلنگر رخ نداده است.»

همسر امیر اسلامی، از وکلای درویش زندانی که در بند ۲۵۰ به سر می‌برد در گفت‌وگو با ایران وایر ضمن اشاره به ملاقات خود با همسرش گفت: «وقتی به سالن ملاقات وارد شدم، داشتم قبض روح می‌شدم و حالت تهوع داشتم. بعضی‌ها با پای شکسته، یکی با دست باندپیچی شده و اکبر امینی با گردنی شکسته در سالن بود. وقتی مادر امینی فرزندش را با گردن‌بند دید، از حال رفت و او را از سالن خارج کردند. همسر در ملاقات می‌گفت که بند ۲۵۰ روز پنج‌شنبه زندان ابوغریب شده بود.»

وی به نقل از همسرش گفت که تعدادی از زندانیان مجروح شده‌اند اما «جرات ندارند که خود را به بهداری معرفی کنند، زیرا نگرانند که به انفرادی منتقل شوند». همسر امیر اسلامی ضمن اشاره به اظهارات مهدی کوچک‌زاده، نماینده‌ی تهران گفت: «می‌خواهم از آقای کوچک‌زاده که تمام این اتفاقات را دروغ می‌خواند سوال کنم شما که اخبار ضرب و شتم زندانیان را تکذیب کرده‌اید چرا امروز در سالن ملاقات حضور نداشتید؟ چرا اجازه نمی‌دهید که یکی از نماینده‌های مجلس از زندان بازدید کند؟ چه کسی پشت سر این قضیه است؟ از شخص اول کشور تا افراد عادی، همگی اظهار بی‌اطلاعی می‌کنند. مسوولان ما چطور به خودشان اجازه می‌دهند که عزیزان ما را کتک بزنند و بعد تکذیب کنند؟ قبلا می‌گفتند که این زندانیان در امنیت کشور اخلاص ایجاد کرده‌اند، سوال من این است که این افراد چه اقدامی علیه امنیت ملی در زندان انجام داده‌اند.»

بر اساس اخبار منتشر شده، مهدی کوچک‌زاده پس از انتشار اخبار مربوط به درگیری در بند ۲۵۰ با خانواده‌ی چهار نفر از زندانیان این بند ملاقات داشت. کوچک‌زاده در توضیح دیدار با خانواده‌های حسین رونقی، سعید حائری، داور حسینی و عرب گل در مصاحبه با وبسایت خانه ملت گفت: «این چهار نفر در این جلسه اعلام کردند که هیچ منبع موثقی از مورد ضرب و شتم قرار گرفتن زندانیان بند ۲۵۰ وجود ندارد، فقط ما خیال می‌کنیم، یا به ما گفتند و یا در شبکه بی‌بی‌سی فارسی موضوع مورد ضرب و شتم قرار گرفتن این زندانیان را شنیده‌ایم.»

همسر اسلامی با اشاره به دیدار علی مطهری، نماینده مردم تهران با خانواده‌ی زندانیان مقابل مجلس شورای اسلامی از مسوولان سوال کرد: «چرا به آقای مطهری که از نمایندگان اصول‌گرای مجلس است اجازه‌ی بازدید از زندانیان نمی‌دهید؟ به هرکجا مراجعه می‌کنم به من می‌گویند آنچه شما به عنوان قانون اساسی و قرآن به آن استناد می‌کنید مال کتاب‌هاست و ما دستورات‌مان را از جای دیگری دریافت می‌کنیم.»

روز یکشنبه جمعی از خانواده‌های زندانیان بند ۲۵۰ در اعتراض به درگیری‌های پیش آمده در این بند مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند و علی مطهری، نماینده مردم تهران ضمن حضور میان آن‌ها گفت: «من فکر می‌کنم این درگیری در دو حالت اتفاق افتاده؛ یا بی‌تدبیری بوده یا اینکه عده‌ای می‌خواهند برای دولت جدید ایجاد مشکل کنند. نیازی نبود افراد به خاطر حضور در یک راهپیمایی به شش تا هشت سال زندان محکوم شوند مامعتمدیم اگر این مشکل را زودتر حل کرده بودند این مسایل پیش نمی‌آمد.»

۲۲ تن از خانواده‌های زندانیان بند ۲۵۰ در واکنش به تکذیب درگیری‌های رخ داده توسط رییس سازمان زندان‌ها در نامه‌ای خطاب به علی مطهری از وی خواستند تا برای روشن شدن ابعاد این ماجرا «هر کاری که از دستش برمی‌آید انجام دهد.»

عاطفه خلفی، همسر حسن اسدی زیدآبادی، از دانشجویان زندانی در بند ۲۵۰ در گفت‌وگو با ایران وایر ضمن اشاره به آغاز اعتصاب غذای همسر خود از «اضطراب» و «تشویش» زندانیان هنگام ملاقات خبر داد: «پرده‌ها که بالا رفت با دیدن بچه‌ها همه گریه کردند. بچه‌ها می‌گفتند که خشونت خیلی بالا بود. اعتصاب غذای بچه‌ها هم برای این است که قانون رعایت شود نه آن‌که مسوولان برای عقده‌گشایی به سراغ بچه‌ها بروند. ۵ سال است که با روح و روان همسر بازی شده، امروز کتک نخورده اما نمی‌دانم تا دوشنبه آینده چه اتفاقی ممکن است برای او رخ دهد. آقای اسماعیلی چندین بار مصاحبه کرده و می‌گوید هیچ اتفاقی نیفتاده، چرا ایشان خودشان نمی‌روند تا ببینند که ماموران با بچه‌ها چه می‌کنند؟ ما قطعاً اجازه نمی‌دهیم که عزیزان‌مان را در زندان از بین ببرند.»

۱۲ زندانی سیاسی بند ۲۵۰ در بیانیه‌ای اعلام کردند که در اعتراض به برخوردهای غیرقانونی، تضییع حقوق زندانیان و اعتراض به عدم رسیدگی به تخلفات «فاحش» و «بی‌سابقه» و ارایه اخبار دروغ از ظهر دوشنبه، اول اردیبهشت ماه دست به اعتصاب غذا می‌زنند. طبق اخبار حسن اسدی زیدآبادی، امیر اسلامی، اکبر امینی ارمکی، عماد بهاور، قربان بهزادیان نژاد، مسعود پدram، امین چالاک، محمدصادق ربانی املشی، علیرضا رجایی، سید حسین رونقی ملکی، رضا شهبابی و محسن میردامادی زندانیان سیاسی هستند که وارد اعتصاب غذا شده‌اند.

مادر حسین رونقی پس از ملاقات با فرزند خود به ایران وایر می‌گوید: «دست‌های حسین کمی زخمی شده بود اما بقیه وضع‌شان خیلی بدتر بود. بچه‌ها را تکه پاره کرده بودند. زندانیان زیر بغل مجروحان را گرفته بودند تا بتوانند راه بروند. سر و گردن و گوش بچه‌ها صدمه دیده بود. حسین گفت که سرهنگ امانیان هنگام ضرب و شتم بچه‌ها در بند ۲۵۰ حضور داشت. بچه‌ها را تهدید کرده‌اند که دفعه‌ی بعدی همه‌تان را می‌کشیم. هرچه مسوولان در باره روز پنج‌شنبه گفته‌اند، دروغ بوده. می‌ترسند که بچه‌ها را به بیمارستان ببرند و افرادی غیر از خودشان وضعیت جسمی زندانیان را ببینند.»

او که خود در جمع خانواده‌های زندانی که مقابل مجلس گرد هم آمده بودند، حضور داشت در این‌باره گفت: «مقابل مجلس نشسته بودیم که آقای کوچک‌زاده از جلوی‌مان رد شد. چندتا از خانم‌های تهرانی او را شناختند. ایشان در پاسخ گفت که ما زندانی سیاسی نداریم و کسانی که با آنها برخورد شده عده‌ای اراذل و اوباش بودند. عکس حسین را به او نشان دادم و گفتم که ۵ سال است که فرزندم در زندان است. کوچک‌زاده اسم حسین را یادداشت کرد. چطور می‌شود که سال ۸۸ به آذربایجان آمدند و با نامه دادستانی حسین را بردند اما امروز می‌گویند که ما از هیچ‌چیز خبر نداریم؟»

یکشنبه ۳۰ فروردین ماه سهراب سلیمانی، مدیر کل زندان‌های استان تهران در گفت‌وگو با خبرگزاری ایرنا اعلام کرده بود که هیچ‌گونه درگیری میان ماموران و زندانیان رخ نداده و «تنها یک بازرسی ساده انجام شده است و نباید به فراق‌کنی‌ها و شایعه‌سازی‌های ضد انقلاب توجه داشت.»

بنا به گفته‌های خانواده‌های زندانیان به ایران وایر، مدت سه سال است که زندانیان بند ۲۵۰ از حق تماس تلفنی که طبق آیین‌نامه سازمان زندان‌ها از حقوق آنهاست، محروم‌اند. تعداد زیادی از خانواده‌های زندانیان در شهرستان زندگی می‌کنند و ممکن است ماهی یک‌بار بتوانند به ملاقات بیایند در نتیجه برخی از زندانیان همراه خود موبایل دارند. زندانیان بارها به شکل قانونی درخواست کرده‌اند که مسوولان اجازه دهند آنها ام‌پی‌تری برای گوش دادن به موسیقی داشته باشند اما با مخالفت مسوولان مواجه شدند در حالی‌که در سال‌های زندانیان عادی مواد مخدر به وفور یافت می‌شود و اگر در هنگام بازرسی این مواد پیدا شود، باز هم چنین برخوردی صورت نمی‌گیرد. کتاب، سی‌دی، فیلم سینمایی مجاز نیز ممنوع است در حالی‌که تمام این‌ها از حقوق زندانیان به شمار می‌آید.

در همین حال غلامحسین اسماعیلی صبح روز دوشنبه در جمع خبرنگاران ضمن اشاره به حضور خود در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی برای ارائه توضیحات در باره‌ی درگیری روز پنج‌شنبه «از شناسایی فردی که از داخل بند ۲۵۰ اوین با شبکه بی‌بی‌سی فارسی تماس گرفته و در مورد موضوع پنج‌شنبه گذشته مصاحبه کرده است» خبر داد و در ادامه تأکید کرد: «سازمان زندان‌ها در رابطه با شایعه‌پراکنی برخی از زندانیان پرونده تشکیل و به مرجع قضایی ارسال شده است.»

وی زندانیان را مسوول «خراب‌کاری» روز پنج‌شنبه می‌داند: «در بازرسی صورت گرفته عده‌ای از زندانیان مقاومت کردند و بیرون نمی‌رفتند که همکاران ما آنها را جابجا کردند و آنان نیز در مقابل به همکاران ما توهین و ناسزا گفته، در را شکانده و خرابکاری کردند.»

مادر داور حسینی وجدان، دانشجوی زندانی که از شهریور ماه سال ۱۳۹۰ در اوین به سر می‌برد در گفت‌وگو با ایران وایر ملاقات خود را شرح داد: «بچه‌ها گفته بودند که باید در حضور رییس بند، اتاق‌ها را بازرسی کند اما بچه‌ها را بیرون کردند و وقتی چیزی پیدا نکردند گفته بودند که باید لباس‌هایتان را هم در بیاورید تا آنها را نیز بررسی کنیم، بچه‌ها ممانعت کردند و ماموران تا جایی‌که توانستند آنها را کتک زدند. کتف پسرم کیود بود، با باتوم او را زده بودند. اگر کمی بالاتر به نخاعش برخورد می‌کرد چه کسی پاسخ‌گو بود؟ همه‌ی زندانیان اتاق ۱ و ۳ بند ۲۵۰ را زدند.»

بنا به گفته‌ی مادر حسینی، در روز ملاقات از هر خانواده یک نفر را برای ملاقات می‌پذیرفتند: «نماینده‌ی مجلسی که به من می‌گوید اوین هتل است، در جواب سوالم در مورد پسرم گفت چیزی نشده، فوقش می‌روی و می‌بینی که یا دماغش شکسته یا کتفش، نمرده که! بچه‌های ما در زندان هم امنیت ندارند. سه سال پیش در شب عاشورای حسینی ۷ مامور مسلح به خانه‌مان آمدند و دو پسر من را بردند. فردا اگر او را بکشند حتما می‌گویند چیزی نشده، خب مرده است. تلفن‌های ما شنود است، از منزل که خارج می‌شویم مواظب ما هستند. انگار ما را از این مملکت اخراج می‌کنند. سه سال است که روزگار ما را سیاه کرده‌اند. ما انقلاب نکردیم که فرزندانمان در زندان کتک بخورند. بچه‌گی پسر من در زندان سپری شد. زمانی‌که او را بردند تنها ۱۸ سال داشت.»

مصطفی پورمحمدی، وزیر دادگستری روز گذشته، ۳۱ فروردین ماه در جمع خبرنگاران ضمن اشاره به درگیری‌های بند ۳۵۰ گفته بود: «در دو اتاق از زندان اوین مقاومت‌هایی از سوی زندانیان صورت گرفت و برای خود اشخاص مشکلاتی به وجود آورد و یکی دو نفر از زندانیان در این بازرسی دچار جراحت مختصری شدند. خانواده زندانیان درخواست ملاقات سریع کردند ولی باید بگوییم که اتفاقی نیفتاده است که ملاقات سریع بخواهند.»

در همین حال سید محمود علوی، وزیر اطلاعات در گفت‌وگو با روزنامه «شرق» گفته بود که این وزارتخانه به زودی اطلاعیه‌ای در باره‌ی درگیری بند ۳۵۰ خواهد داد که تاکنون هیچ بیانیه یا اطلاعیه‌ای توسط این وزارتخانه منتشر نشده است.

همبستگی و اعتراض به ضرب و شتم زندانیان بند 350 اوین یک وظیفه همگانی است!

سایت خبری جنبش خرداد: این بار باز هم قرعه به نام زندانیان سیاسی اسیر خورد تا حکومت الله به جهانیان عملاً نشان دهد که منظورش از «معنا و مفهوم واقعی» «حقوق بشر اسلامی» چیست.

پیام حکومت از حمله ددمنشانه روز پنجشنبه گذشته به بند 350 اوین روشن است: می‌خواهند بگویند در عرصه مقوله حقوق بشر مدنظر غرب کوتاه نمی‌آئیم. می‌خواهند بگویند سیاست ما در مذاکرات هسته‌ای دو محور دارد: سیاست انبساطی در عرصه خارجی و سیاست انقباضی در عرصه داخلی. در عرصه خارجی امتیاز می‌دهیم، بشرطی که دستمان را در سرکوب مردم ایران باز بگذارید.

گفتنی است که این سیاست دوگانه دقیقاً و همین حالا بطور موازی و همزمان دارد پیش می‌رود. بازیگران آن را در چهره خشن سید علی خامنه‌ای و جواد آملی لاریجانی از یکسو و در چهره خندان روحانی و جواد ظریف از سوی دیگر بعینه می‌بینیم.

این یک ساده لوحی احمقانه است که فکر کنیم دولت «تدبیر و امید» و اصلاح طلبان حکومتی و غیر حکومتی، دست شان در دست هسته اصلی قدرت، یعنی «رهبر با بصیرت»، برای پیشبرد چنین سیاستی نیست.

چرا که پیشروی مردم در هر حد و زمینه‌ای در ایفای حقوق بر باد رفته‌شان در طی این سالها، موجب می‌شود که حکومتیان، با همه جناح‌هایش، قبض روح شوند. نمونه‌اش همین آخرین حرف‌های خانمی اصلاح طلب هست که گفته اگر نظام سقوط کند همه ما به روز سیاه می‌نشینیم.

راه مقابله برای به بن بست کشاندن و شکست دادن این حکومت نابهنگام تنها همبستگی و اتحاد ماست. همبستگی و اعتراض به ضرب و شتم زندانیان بند 350 اوین یکی از همان راهها و ابتدائی ترین اقدامات است.

از تونل باتوم تا سالن ملاقات؛ جایی که از آثار ظلم پرده برداری شد



کلمه - گروه خبر: بالاخره روز ملاقات زندانیان بند ۳۵۰ رسید. ملاقاتی که از پنجشنبه همه خانواده‌های زندانیان اوین در انتظارش بودند و برای دیدن سلامت عزیزان دربندشان لحظه‌شماری می‌کردند. شاید بسیاری از آنان دوست داشتند ادعاهای رییس سازمان زندان‌ها و وزیر دادگستری درست باشد اما امروز با چشم دروغ‌گویی اسماعیلی را از پشت کابین‌های ملاقات دیدند.

جو به شدت ملتهب و متشنج از همان بدو ورود و در خیابان منتهی به زندان دیده می‌شود. بیرون زندان پر از گارد و ون پلیس بود و همه خانواده‌ها با تعجب به آنان نگاه می‌کردند. وارد سالن می‌شوند و از حال خانواده‌هایی که پیش از آنها به ملاقات رفته‌اند، متوجه اوضاع می‌شوند. مادر اکبر امینی از حال رفته و آمبولانس برای بردنش

آمده است. او پسرش را با سر و گردن شکسته ملاقات کرده و چند باری در حین ملاقات از حال رفته است. هر گروه از ملاقات‌کننده‌ها که از سالن ملاقات کابینی بیرون می‌آیند، شروع به شعار دادن می‌کنند. شعار "مرگ بر دیکتاتور" و "الله اکبر" همه فضای سالن ملاقات را فراگرفته است. هیچ کس انتظار این حجم از خشونت و درگیری را نداشته و همه با عصبانیت سالن ملاقات را ترک می‌کنند.

خانواده‌هایی که موفق به ملاقات کابینی با زندانیانشان شدند، ملاقات روز دوشنبه را «وحشتناک» و «دردآور» توصیف می‌کنند. پرده‌های کابین ملاقات بالا می‌رود و بعد از آن دیگر اشک است و گریه. برخی مادران از حال می‌روند و خانواده‌ها با دیدن چهره و وضعیت زندانیان خود و آثار کبودی و ضرب و شتم آنان به شدت تحت تاثیر قرار گرفته و با سر دادن شعار خشم و اعتراض خود را نشان می‌دهند.

عاطفه خلفی همسر حسن اسدی زیدآبادی در فیس‌بوک خود چنین می‌نویسد: «امروز ملاقات و همه چشم‌هایی که منتظر بودند عزیزانشان و سایر برادرانشان را ببینند پر از وحشت بود سالن انتظار پر از صدای فریاد و شعار بود. اورژانس آمده بود مادر اکبر امینی را به بیمارستان برساند؛ پسرش را دیده بود و چند بار غش کرده بود. جلوی در نیروی انتظامی و امنیتی هم ایستاده بودند. اکثر زندانیان در همراهی با برادرانشان موه‌های خود را تراشیده‌اند. پرده‌ها که بالا می‌رود همه خانواده‌ها گریه می‌کنند... آقای اسماعیلی دروغگو که می‌گی هیچ کس هیچ طوریش نشده واقعا منظورت چی بوده. به یک سری آدم حمله کردید. کتک زدید. فحش‌های رکیک دادید. شما مسلمانید؟ شما انسانید؟ کور خواندید که بگذاریم عزیزانمان را اینگونه ذره ذره از بین ببرید. قرار نبود کسی هم عاشورای خونین را به یاد بیاورد اما قرن‌ها از آن گذشته و داستان‌های اشک در چشمانمان می‌آورد. قرار نیست که شما هر کاری که دلتان خواست بکنید و ما هم نظاره‌گر باشیم. گندهایی که زدید از سر و روی این لباس بدشکل دروغین که به تن کردید دیده می‌شود».

مریم شفیعی همسر عماد بهاور نیز در صفحه فیس‌بوکش از ضرب و شتم شدید زندانیان می‌گوید و می‌نویسد: «آثار کبودی رو بدنشان مشخص بود، میگفت اصلا هیچ مدرک پزشکی یا عکسی تهیه نکردن حتی از کسانی که شکستگی داشتن که مدرکی به جا نمونه از جنایت ... پرده‌ها ی سالن ملاقات که بالا رفت همه خانواده‌ها گریه می‌کردن و برخی مادرها غرق زمین شدن ... شعار خانواده‌ها و فریاد الله اکبرشان بلند شد ... بچه‌ها میگفتن ما سالم‌های بند هستیم و کسانی که حالشان خوب نبود در انفرادی و ممنون ملاقات، برای همدردی با دوستان انفرادی سرشان را تراشیده بودن ... عماد زمان جنگ داخل بند، مسئول بیت العباس بوده طبقه بالا وقتی فریاد بچه‌ها رو شنیده که پایین کتک می‌خورند اعتراض کرده ده تا لباس شخصی بهش حمله کردن اون صاف واستاده تو چشم اطلاعاتی‌ها نگاه می‌کرده زمین می‌خورده و دوباره بلند میشده ... یک لحظه از خودش دفاع نکرده خدا خودش حفظش کرده. بچه‌ها رو زده بودن بد هم زده بودن»

به گزارش خبرنگار کلمه اکثر زندانیان با عصا و کمربندهای طبی به ملاقات آمده‌اند، موی سرشان را در اعتراض توهین به سایر هم‌بندیانشان تراشیده‌اند و برخی دیگر هم بازوی هم‌بندی خود را گرفته‌اند تا بتوانند به ملاقات بیایند. کبودی‌ها و آثار ضرب و شتم مشهود است و البته این وضعیت افرادی است که گویا کمتر از بقیه مورد خشونت قرار گرفته‌اند.

بیش از ۲۰ نفر از زندانیانی که به شدت مضروب شده‌اند و در انفرادی هستند وضعیت به مراتب بدتر دارند. زندانیان به خانواده‌هایشان می‌گویند هیچ مدرک پزشکی یا عکسی از مصدومین تهیه نشده تا مدرکی از شکستگی‌های دست و پا به جا نماند. به گفته زندانیانی که امکان ملاقات برایشان فراهم شده بود، آنان جزء سالم‌های بند هستند و کسانی که وضعیتی به مراتب بدتر دارند به انفرادی منتقل شده و ممنوع از ملاقات هستند.

مادر سعید متین‌پور هم شیون می‌کند. به او گفته‌اند فرزندش را به شدت زده‌اند و سعید تا مدت‌ها بیهوش بوده، مادر نفرین می‌کند اما اجازه ملاقات به او نمی‌دهند. سروش ثابت، یاشار دارالشفاء، سعید متین‌پور، اسدالله هادی، از افرادی هستند که به انفرادی منتقل شده‌اند و خبری از سلامتی آنان در دست نیست. به گفته یکی از خانواده‌ها، افرادی که وضعیت و ظاهری بدتر داشتند را به انفرادی منتقل و ممنوع‌الملاقات کرده‌اند تا بقیه میزان خشونت در بند ۲۵۰ را نبینند.

سعید حائری از دیگر زندانیانیست که به انفرادی منتقل و از بین تونل باتوم عبور داده شده بود و آثار ضربات باتوم و ضرب و شتم به صورت کبودی و تورم بر روی بدن وی همچنان قابل مشاهده بود اما با وجود آنکه او را به بند منتقل کرده‌اند به خانواده‌اش اجازه ملاقات ندادند تا آثار این خشونت را نبینند.

بنابر آخرین اخبار خانواده‌های این زندانیان تا این لحظه جلوی زندان ماندند و بر ملاقات با عزیزانشان پافشاری کرده‌اند. مسئولین زندان هم در پاسخ به اصرار این خانواده‌ها قول داده‌اند تا به یکی از افراد خانواده ملاقاتی چند دقیقه‌ای بدهند که تا لحظه مخابره این خبر، ملاقات انجام نشده، سایر افراد را از سالن ملاقات بیرون کرده‌اند و درب سالن زندان را بسته‌اند. خانواده‌های زندانیان منتقل شده به انفرادی در داخل سالن زندان منتظر خبر و نگران سلامتی و جان زندانیان خود هستند.